سفارشی نویسی را شکستیم

بهارلو، مسعود

بکایی، علی رضا

پیشینه سازمان انتشاراتی بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس-چه در قالب نشر صریر و چه در قالب معاونت ادبیات و انتشارات بنیاد-چیست؟

در ابتدا لازم است درباره بنیاد صحبت کنم.چون معاونت ادبیات‏ و انتشارات جزئی از آن است.همانگونه که از عنوان این مجموعه‏ برمی‏آید،بنیاد وظیفه حفظ و نشر آثار دفاع مقدس در حوزه‏های‏ متعدد دارد.سابق بر این مجموعه بنیاد یک سیستم اجرایی داشت‏ و سیاستهای اجرایی را دنبال می‏کردم اما از سال 79 به بعد-پس‏ از دیداری که با مقام معظم رهبری ترتیب داده شده بود-وظایف‏ بنیاد تغییر روش داد و از سیستم کاری آن از اجرایی به نظارتی تبدیل‏ شد.آقا فرمودند که بهتر است بنیاد کار اجرایی را کنار بگذارد و وظیفه هدایت و هماهنگی و بعضی جاها سیاستگذاری و حمایت از فرهنتگ دفاع مقدس را داشته باشد.اینجا یک سرفصل مستقلی‏ باز شد و کارهای اجرایی کنار رفت.همان‏وقت،تازه من وارد مجموعه‏ شده بودم و برنامه‏ریزی براساس آن رهنمود تنظیم شد.

معاونت ادبیات و انتشارات هم باید به‏ پیروی از مجوعه این تغییر را در خودش به‏ وجود می‏آورد.یک بخش از کار معاونت، بخش انتشارات بود.نشر صریر تا وقتی که‏ کار مجموعه اجرایی بود،فعالیتش را ادامه‏ داد و بعد از آن کم‏کارتر شد و حتی رو به‏ تعطیلی گذاشت و ما درصدد برآمدیم که‏ چندین نشر صریر به وجود بیاوریم.یعنی‏ مجموعه‏ای از انتشاراتیها و اصحاب قلم را گردهم بیاوریم.ما آمدیم آیین‏نامه حمایتی‏ را براساس همان سیاست تنظیم کردیم و به‏ شکل فعلی درآمد و ما الان در حلقه دوم‏ هستیم.

این آیین‏نامه را به شکل آزمایشی و برای شش ماه اجرا کردیم.نقاط ضعف و قوتش بروز کرد.ناقط ضعفش را با جلستاتی‏ که با کارشناسان نشر و مدیران انتشاراتیها داشتیم،برطرف کردیم.این سیاست ثابتی‏ است که ما براساس آن آیین‏نامه ناشران‏ را حمایت می‏کنیم.

مکانیزم کار به چه شکلی است؟

سیستم و مکانیزم کار به این صورت‏ است که هر ناشری کتابی در زمینه دفاع‏ مقدس با موضوعات مختلف اعم از پژوهش، داستان،رمان،شعر و...داشته باشد،ما در هر ناشری کتابی در زمینه‏ دفاع مقدس با موضوعات‏ مختلف اعم از پژوهش، داستان،رمان،شعر و... داشته باشد،ما در شورای‏ کارشناسی معاونت بررسی‏ می‏کنیم و براساس میزان‏ قوتی که این شورا از اثر تشخیص بدهد،از آن کتاب‏ حمایت می‏کنیم.

 شورای کارشناسی معاونت بررسی می‏کنیم و براساس میزان‏قوتی‏ که این شورا از اثر تشخیص بدهد،از آن کتاب حمایت می‏کنیم.

روال کار به این شکل است که ناشر خودش کتاب را می‏آورد.اگر شعر بود،شورای شعر،اگر داستان بود،شورای داستان و...بررسی‏ می‏شود و درجه‏ای برای حمایت تعیین می‏کنند.اگر کار ضعیف بود، نظرات اصلاحی داده می‏شود.ناشر،بعد از رفع اشکال،کتاب را دوباره می‏آورد و ما با او قرارداد می‏بندیم.

کیفیت این قرارداد چگونه است؟

اشکال مختلفی دارد.یک شکلش این است که یک سوم‏ شمارگان کتاب را تا سقف پنج هزار نسخه و با تخفیف 25 درصد از قیمت پشت جلد خریداری می‏کنیم.ناشران در شرایط کنونی‏ علاوه بر اینکه نمی‏توانند کتابهایشان را پیش‏فروش کنند،در توزیع‏ آنها نیز دچار مشکل هستند.بنابراین سرمایه آنها خیلی دیر برمی‏گردد و رغبت آنها برای انتشار کتابهای دفاع مقدس کم می‏شود.بنیاد اینجا نقش مشتری را ایفا می‏کند.منتهای مشتری‏ای که برای‏ فروشنده زمان معلوم می‏کند،روی کار نظارت‏ دارد و اجازه نمی‏دهد که کار دفاع مقدس ضعیف‏ از آب دربیاید.

شما با این کتابها چه می‏کنید؟آیا آنها را می‏فروشید؟

خیر.بنیاد،وظیفه فروش ندارد.این کتابها را در جهت تجهیز کتابخانه‏های سراسر کشور استفاده می‏کنیم.اخیرا با سازمان تبلیغات‏ اسلامی قراردادی بستیم که در هفته دفاع‏ مقدس و در هفته بسیج،کتابخانه‏های مساجد کشور را به کتابهای دفاع مقدس تجهیز کنیم.

کتابهایی که ما به مساجد دادیم،همین کتابهای‏ حمایت شده بودند.صحبتهایی با وزارت‏ آموزش‏وپرورش کردیم که کتابخانه مدارس‏ را تجهیز بکنیم تا نسل سوم هم با فرهنگ‏ دفاع مقدس آشنا بشود.زیرا ما برای دفاع‏ مقدس جایگاه خاصی قائل هستیم و معتقدیم‏ که فرهنگ دفاع مقدس یک بخش از هویت‏ ما را تشکیل می‏دهد.این متوقف بر هشت‏ سال نبوده و نسلهای بعدی باید با آن آشنا بشوند.بدانند که انقلاب چه روزهای سختی‏ را گذرانده و در این هشت سال چه کرده است.

اگر ما در انتقال و انتشار فرهنگ دفاع مقدس‏ کوتاهی بکنیم،این فرهنگ به زودی خاک‏ می‏گیرد و فراموش می‏شود. به‏هرحال ما باید همچنان کارمان را ادامه بدهیم.نه ما،همه سازمانهایی که در این زمینه متکفل بخشی از کار هستند،باید بیایند و یک گوشه کار را بگیرند تا این جریان، سالم و همانگونه که بوده،منتقل بشود.

شکلهای دیگر حمایت بنیاد از نشر کتابهای دفاع مقدس چیست؟

کتابهای کودک و نوجوان از حمایت‏ ویژه برخوردار هستند.این کتابها را با شمارگان بیشتر پیش‏خرید می‏کنیم و تخفیف‏ کمتری از ناشران می‏گیریم.شکل دیگر حمایت‏ ما تأمین کاغذ کتاب است.ما به ناشر کاغذ موردنیازش را می‏دهیم تا سهمیه‏اش را از ارشاد بگیرد و در این فاصله کارش زمین‏ نماند.بعد از اینکه کتابش چاپ شد،معادل‏ نرخ ریالی کاغذ به ما کتاب دهد.

اگر کتاب در زمینه‏های علمی و پایان‏نامه‏های دانشجویی باشد،یک مقدار کاغذش را رایگان می‏دهیم.در این حوزه‏ برای دانشگاهها برنامه‏هایی داریم و می‏خواهیم استادان و مدیران گروهها دانشجویان را به تحقیق در زمینه دفاع مقدس سوق بدهند و تحقیقاتشان را در این راستا قرار دهند.ما در این زمینه منابع و استادراهنما در اختیارشان می‏گذاریم‏ و حمایتهای معنوی و مادی در نظر می‏گیریم.

این حمایت از ناشر است و ما دیگر به مؤلف کاری نداریم.در حالی که بنیاد قبلا با مؤلف قرارداد می‏بست و سفارش کار می‏داد.

البته ما نویسنده را هم به نوعی مورد تشویق قرار می‏دهیم.این‏ نویسنده می‏توانسته داستان موش و گربه بنویسد،اما آمده و کتاب‏ دفاع مقدس نوشته؛این جای تقدیر دارد.

وقتی شما ارتباطتتان را با ناشر تنظیم کرده‏اید، چگونه نویسنده را تشویق می‏کنید؟

اقسامش مختلف است.ما به نویسنده حق التالیف نمی‏دهیم، اما پاداش این کار را-که ربطی به حق التالیف او ندارد-به او می‏دهیم.

تعداد آثاری که در یکسال گذشته حمایت کردید،چه‏ عنوان است؟

حدود 40 عنوان که به زعم ما،اصلا کافی نیست.ما باید به‏ سمتی برویم که ا رتباطمان با ناشران بیشتر بشود و روی ناشران‏ خصوصی تمرکز بیشتری داشته باشیم.نشر دولتی کارش همین‏ است.اگر سپاه وارتش و...کتاب دفاع مقدس چاپ کردند، وظیفه‏شان همین است،اما سرمایه ناشر خصوصی محدود است و دغدغه فروش کتاب و بازگشت سرمایه را دارند.

برای بررسی و حمایت کتابها چند شورا دارید؟

معاونت ادبیات و انتشارات بنیاد،سه شورا دارد:شورای ادبیات‏ داستانی،شورای شعر،و شورای خاطره.

اعضای شوراها چه کسانی هستند؟

در شورای شعر؛استا مشفق،آقای گلمرادی،آقای بیگی‏ حبیب‏آبادی و آقای حسین اسرافیلی هستند.در شورای داستان؛ آقای سرشار(رهگذر)به عنوان دبیر و آقایان امیر حسین فردی، دکتر محسن پرویز و خانم تجار حضور دارند.در شورای خاطره هم‏ آقای عظمائیان،آقای دکترعلامیان،آقای مهدوی و خانم اصلانپور هستند.سعی کرده‏ایم ترکیب به گونه‏ای باشد که هم ناشر و هم‏ نویسنده به کارشناسی اینجا اعتماد کنند.گاهی شعر شاعری رد شده و برای گفتگو و مذاکره به اینجا دعوت شده است.شوراها برای‏ ما برای دفاع مقدس جایگاه‏ خاصی قائل هستیم و معتقدیم که‏ فرهنگ دفاع مقدس یک بخش از هویت ما را تشکیل می‏دهد.این‏ متوقف بر هشت سال نبوده و نسلهای بعدی باید با آن آشنا بشوند.بدانند که انقلاب چه‏ روزهای سختی را گذرانده و در این‏ هشت سال چه کرده است.اگر ما در انتقال و انتشار فرهنگ دفاع‏ مقدس کوتاهی بکنیم،این فرهنگ‏ به زودی خاک می‏گیرد و فراموش‏ می‏شود.

ما نمی‏خواهیم فقط نویسندگان‏ دفاع مقدس بیایند و کتاب بنویسند.

دوست داریم همه به این عرصه‏ پای بگذارند.

قانع‏کردن مؤلف وقت می‏گذارند و علتهای رد و تصویب کار را به‏طور شفاف‏ به آنها می‏گویند.در نهایت یا صاحب اثر متقاعد می‏شود و یا شورای مربوط.وقتی‏ کار تأیید شد،ما با ناشر قرارداد می‏بندیم.

حالا اگر نویسنده‏ای کتابش‏ را خودش به اینجا بیاورد،شما از آن‏ کار حمایت نمی‏کنید؟

چرا.اول همان سیر را می‏گذارند.

یعنی کار برای بررسی به دست شورا سپرده می‏شود.بعد از تأیید،از شورا می‏خواهیم که ناشر معرفی کند.این هم‏ فصلی از برنامه حمایتی ماست.

من فکر می‏کنم در اینجا،نوع‏ حمایت از فرهنگی به تجاری تبدیل‏ شده است.یعنی بیشتر از تجارت‏ کتاب دارد حمایت می‏شود.چون‏ ناشر به کارش نگاه تجاری و بازاری‏ دارد و کمتر به وجه فرهنگی کار می‏نگرد.

پاسخ این سئوال را به خودتان بدهید که ناشر که خودش کتاب تولید نمی‏کند و اهل قلم نیست.او یک‏ رابط و واسط اجرایی است.علت اینکه ما شورای کارشناسی‏ گذاشته‏ایم،این است که کار قوی دربیاید.حالا یک ناشر ممکن‏ است قصد تجاری داشته‏باشد،یک نویسنده قصد معنوی.وظیفه‏ ناشر است که دنبال یک نویسنده قوی برود و اثر خوب برای ما بیاورد تا از آن حمایت کنیم.اگر ناشر،اثر قوی بخواهد،باید بیشتر هزینه کند.بنابراین نویسنده به حقش می‏رسد.ناشر می‏خواسته‏ برود رمان موش و گربه چاپ کند،ما دستش را گرفته‏ایم و گفته‏ایم:

بیا کتاب دفاع مقدس منتشر کن.کار ناشر از نظر محتوایی فرهنگی‏ است،اما از نظر شکلی اقتصادی است.برای او فرق نمی‏کند که‏ کتاب دفاع مقدس دربیاورد یا رستم و سهراب.اگر ناشر متعهد باشد، خودش یک نگاه فرهنگی پیدا می‏کند و خود را مدیون این موضوع‏ حس می‏کند.

این نوع حمایت،جریان سفارشی‏نویسی در ایران را تقویت نمی‏کند؟

اتوبان را دوطرفه ببینید.اتفاقا می‏خواهم عکس نظریه شما را بگویم.سابق بر این بنیاد سفارشی‏نویسی را متداول کرده بود، چون کار اجرایی می‏کرد.با یک گروه از نویسندگان در حوزه‏های‏ مختلف قرارداد می‏بست که برایش کتاب بنویسند.آفت این کار این بود که با نویسنده قرارداد می‏بست.یکی از ارکان قرارداد،زمان‏ است.نویسنده تلاش می‏کرد که در مدت زمان قرارداد به هر نحو و قیمتی شده این کار را تمام کند و اثر را به بنیاد برساند.چون کار، کار کوششی بود،یا اثرگذار نبود و یا کم‏اثر بود.چون بنابر تعهد قرارداد این کار را می‏نوشت؛اما اگر نویسنده‏ای یک شب سرحال‏ بود و میل نوشتن داشت،بلند شد،خاطره‏ای را پروارند و براساس‏ آن اثری آفرید،ارزش دارد.کدامش بیشتر تأثیر دارد؟آنجا ما طرف‏ قراردادی بودیم که نویسنده در آن ملزم به انجام کار براساس نیاز ما-نه براساس نیاز خودش-بود.

ما نمی‏خواهیم فقط نویسندگان دفاع مقدس بیایند و کتاب‏ بنویسند.دوست داریم همه به این عرصه پای‏بگذارند.الان‏ نویسندگان دفاع مقدس مشخص هستند.اصلا یک چارچوب و قالبی شده است که اینها«دفاع مقدس‏نویس»هستند.یک گروه دیگر هستند که متعهدند و دفاع مقدس را قبول دارند،اما مجاری‏ کار را نمی‏دانند و یا زمینه این عرصه را پیدا نکرده‏اند.ما اینها را چگونه راه بیندازیم؟باید تشویقمان کنیم که بیایند و«دفاع مقدس‏ نویس»بشوند تا این عرصه محدود به بیست-سی نفر کنونی نشود، در همین راستا هم کارگاهها و کلاسها را با مشارکت ما برگزار کرد که‏ نویسنده بار بیاورد.

این اتفاق،دور از شما روی می‏دهد.خیلی مواقع نویسنده‏ها در جمع خودشان می‏گویند که فلان جا برای سفارشهایش پول خوبی‏ می‏دهد.شما با ناشر سروکار دارید و این ناشر است که نقش شما در گذشته را بازی می‏کند.

قرارداد نویسنده با ناشر و قرارداد نویسنده با بنیاد فرق دارد.در شکل دوم،نویسنده ملزم می‏شده که کاری را با هر کیفیت در یک‏ سقف زمانی آماده کند و به بنیاد بدهد.اما قرارداد نویسنده با ناشر رویکرد تجاری و کالایی ندارد.رابطه آنهاتعریف شده است،اما نویسنده وقتی به اینجا می‏آمد شکل دیگری پیدا می‏کرد.ما سوژه‏ می‏دادیم،اما الان ناشر سوژه نمی‏دهد.می‏گوید برای من کار دفاع‏ مقدس بیاور.

اتفاقا ما سفارشی‏نویسی را شکستیم.موجی هم در بین‏ نویسندگان به وجود آمد که ما دیگر کار سفارشی نمی‏خواهیم و دوست نداریم که آمار را فقط بالا ببریم.الان ما ترجیح می‏دهیم‏ آن هزینه‏های بالا را در تربیت نویسنده از طریق برگزاری کلاسها، کارگاها و جلسات نقد به کار بریم.در جلسات نقد ما کارشناسان، نویسندگان،ناشران و افراد نوقلم و نوپا حضور دارند و هر ماه گردهم‏ جمع می‏شوند.این استفاده‏اش بیشتر است.

احساس می‏شود که ترکیب شوراهای شما از تنوع در گرایشهای فکری و دیدگاهی برخوردار نیستند و در بیرون‏ از اینجا هم هسته‏هایی برای خودشان دارند.این موضوع‏ اعتماد نویسندگان طیفهای متعدد را نسبت به نتیجه‏ کارشناسیها مخدوش نمی‏کند؟

جنگ را همه گروهها و همه آحاد مردم اداره کردند.جنگ یک‏ گروه خاص نبود.هرکسی که به انقلاب اعتقاد دارد،در جنگ نقش‏ داشته است.ما هم همین سیاست و اعتقاد را داریم.یعنی اصلا کار سیاسی،گروهی و خطی نمی‏کنیم و شدیدا جلویش می‏ایستیم.

بالاخره ما باید یک گروهی را که با ادبیات دفاع مقدس آشنا بوده‏اند، تشکیل می‏دادیم.هرکس در حلقه‏ای که هست،اینجا که می‏آید، نویسنده است.هر کارشناسی را که دعوت می‏کردیم،بیرون از اینجا حلقه‏ها و ارتباطهایی داشت.این ابهام جایگاه شناری دارد که انسان‏ می‏تواند همه‏جا به آن مصداق بدهد.بنابراین ما مجبوریم که چند نفر را انتخاب بکنیم.بنابراین گرایشهای آنها به دفاع مقدس برای‏ ما مهم است،اما گرایشهای سیاسی‏شان نه.ما اینجا هیچ‏کار سیاسی‏ نمی‏کنیم که خوف تبعاتش را داشته باشیم.

درباره ده کتابی هم که به زبان انگلیسی برگردانده‏ شده‏اند،سؤالاتی داشتم.نحوه و لزوم حمایت از انتشار این‏ کتابها چه بوده و اصلا با چه مخاطب،شمارگان و مجرای‏ توزیعی این کار صورت گرفته است؟

اینکه ما در زمینه دفاع مقدس در بیرون مرزهایمان هم باید به عنوان یک سند و جایگاه مستقل کار بکنیم،شکی نیست و بسیار کم‏کاری شده است.چون دفاع مقدس جزئی از انقلاب اسلامی‏ است.لیکن انتشار این ده کتاب کوچک پیش از آمدن من به معاونت‏ ادبیات و انتشارات بنیاد در دستور کار قرار گرفته بود.اینکه موضوعش‏ خوب انتخاب نشده یا شده،رویش صحبت هست،وگرنه کار،خوب‏ انتخاب شده است.وقتی من آمدم،ترجمه این کتابها جزو قراردادهای‏ معوقه بود.ما از مترجم خواستیم که بیاید و کار را تمام کند.ممکن‏ است اگر الان بخواهیم این کار را بکنیم،به عنوان پروژه آن را ببینیم و نظر خاصی روی داستانهای ترجمه شده داشته باشیم.

داستانهای مهم‏تر و بهتری داریم که باید ترجمه شوند؛اما اینکه این‏ کتابها به کجا رفتند،از طریق سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی‏ به نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف‏ دادیم.شمارگان این کتاب به خاطر مخاطب و مصرف محدود،کم‏ و محدود بود.در عین حال این آثار آنجا مشتاقان زیادی دارد.حتی‏ آنها که در مقابل ما جبهه می‏گیرند،دوست دارند این کتابها را ببینند.

ان شاء الله وقتی پایگاه اینترنتی(سایت)ما هم راه بیفتد،برای‏ معرفی این آثار مشکلی نخواهیم داشت.

گیرندگان این کتابها در آن سوی مرز،ایرانیهای مقیم‏ خارج از کشور هستند یا...؟

خیر.اگر ایرانیها ااشند که فارسی می‏دانند و نیاز به ترجمه‏ نیست.این کتاب برای همه مردم جهان-که دوست دارند از دفاع‏ مقدس ما بدانند-تهیه شده است.

شما از کجا می‏دانید که استقبال از این کتاب‏ها خوب‏ بوده؟

جذب این آثار در نمایندگیها خوب بوده و برگشتی وجود نداشته‏ است.کتابنامه دفاع مقدس-که به دو زبان فارسی و لاتین منتشر شده است-نشان می‏دهد که کتابهای زیادی چه در تأیید دفاع‏ مقدس و چه بر ضد آن در خارج از کشور نوشته شده است که سهم‏ ضدجنگها بیشتر بوده است.ما باید چه کار کنیم که اثر این کتاب‏ها را کم کنیم و حقایق دفاع مقدس را به گوش عامه مردم برسانیم؟ چون در کشورهای دیگر-به خصوص در کشورهای اروپایی- فرهنگ خلاصه‏پذیری حاکم است،آمدیم و از در داستان کوتاه وارد شدیم تا در مترو،در مسیر راه،در مراجعاتی که به نمایندگی جمهوری‏ اسلامی داشته و...برای مخاطب قابل استفاده باشد.

با این وجود که کار ترجمه این کتابها به زمان پیش‏ از مسئولیت شما برمی‏گردد،این حرکت را تأیید می‏کنید؟

بله.کار خوبی بوده و از مترجم سرشناسی بهره گرفته شده‏ است.ایشان استاد دانشگاه است و تدریس می‏کند.

شما ادبیات متعهدی را ترجمه می‏کنید و به کشورهای‏ دیگر می‏فرستید.مترجم نسبت به این تعهد در آثار ترجمه‏ شده چقدر وفادار مانده است؟

ما این کار را به امور بین‏الملل دادیم تا در شورای آنها بررسی‏ شود.آنها هم این کار را تأیید کردند.

به نظر می‏رسد در این کار از شهرت صفدر تقی‏زاده در بیرون‏ مرزها بیشتر استفاده شده تا تعهد و میزان علاقه‏مندی و کوشندگی‏ او در عرصه دفاع مقدس.

من پاسخگوی کار دوستان و همکاران قبلی نیستم که چرا او انتخاب شده است؛اما به‏هرحال مترجم قوی هم یک رکن اساسی‏ در ترجمه است.اینکه درست ترجمه بکند،یک بحث است،اینکه‏ به روز ترجمه بکند،یک بحث دیگر.اگر مترجمی مریض نبود و ادبیات مقدس را پذیرفته بود و در عین حال در کار خودش هم‏ قوی بود،چه اشکالی دارد که به او کار بدهیم؟مگر اینکه مخالف‏ آن ثابت بشود.

اگر مترجمی در کارش استاد باشد و در سطح بین‏الملل شهرتی‏ به دست آورده باشد،چه اشکالی دارد که نباید کار به او سپرده شود؟ مگر اینکه انسان به یقین برسد که او بیمار است و«هست»را «نیست»ترجمه می‏کند.